

پاسخنامه مدارس شهرستانها

پایه :	۷	موضوع :	فلسفه
تاریخ :	۹۲/۰۶/۰۴	ساعت :	۸

نام کتاب: بدایة المکتمه، از اول مرمله هشتم تا پایان کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. «الوجود المتصل السیال الذي یجری علی الموضوع المتحرك»، تعریف چیست؟ ا ۱۲۵
- ا. مسافت حرکت ب. مبدأ حرکت ج. غایت حرکت د. موضوع حرکت
۲. المعلوم الذي هو متعلق العلم يجب أن يكون كما أن العالم الذي يقوم به العلم يجب أن يكون د ۱۴۰
- ا. مجرداً عن المادة - غير مجرد عن المادة ب. حضورياً - حصولياً
- ج. عقلياً - مادياً د. مجرداً عن المادة - مجرداً عن المادة
۳. العلم الحصولی الحقیقی هو المفهوم الذي ب ۱۵۱
- ا. يوجد في الخارج فقط ب. يوجد تارة في الخارج و تارة في الذهن
- ج. يوجد في الذهن فقط د. لا يوجد في الخارج و لا في الذهن
۴. صفات الواجب تعالی عند المعتزلة ج ۱۶۱
- ا. زائدة على الذات حادثة ب. زائدة على الذات قديمة
- ج. عبارة عن نيابة الذات عن الصفات د. عين الذات المتعالية

تشریحی

* إن ذاته تعالی بسيطة: منفي عنها التركيب، إذ التركيب بأى وجه فرض، لا يتحقق إلا بأجزاء يتألف منها الكل و يتوقف تحققه على تحققها، و هو الحاجة إليها و الحاجة تنافي الوجود الذاتي. ۱۵۸

۱. معنای بساطت ذات واجب تعالی چیست؟ دلیل آنرا توضیح دهید.

یعنی هر گونه ترکیبی (ترکیب از اجزاء مقداریه، عقلیه، خارجیه، وجود و ماهیت) از ذات او نفی شده است. دلیل: اگر ذات واجب دارای اجزاء باشد پس برای به وجود آمدن نیاز به آن اجزاء دارد و حاجت و نیاز با وجوب ذاتی منافات دارد.

* الفعل الاختیاری لا یقع إلا و اجباً بالغير، كسائر المعلولات و من المعلوم أن الوجود بالغير لا يتحقق إلا بالإنتهاء إلى واجب بالذات، و لا واجب بالذات إلا هو تعالی، فقد رته تعالی عامة حتى للأفعال الاختیاریة. ۱۶۷

۲. استدلال بر شمول قدرت واجب تعالی نسبت به افعال اختیاریه انسان را توضیح دهید.

افعال اختیاریه انسان نیز - همچون سایر موجودات عالم امکانی - واجب بالغيرند؛ چون طبق قاعدة الشیء ما لم يجب لم يوجد، همه موجودات امکانی نیز به حدّ ضرورت رسیده و موجود شده‌اند - و تمامی واجب بالغيرها باید بالأخره منتهی به واجب بالذات شود و آنرا تسلسل لازم می‌آید و واجب بالذات تنها خداوند متعال است. پس همه افعال اختیاریه بالاخره به واجب تعالی بازگشت می‌نمایند.

* إنّه تعالی مختار بالذات، إذ لا إيجاب إلا من أمر وراء الفاعل، یحمله على خلاف ما یقتضيه أو على ما لا یقتضيه، و ليس وراء تعالی إلا فعله، و الفعل ملائم لفاعله، فما فعله من فعل هو الذي یقتضيه ذاته و یختاره بنفسه. ۱۶۹

۳. چرا خداوند متعال مختار بالذات است؟ با دلیل توضیح دهید.

زیرا اگر خداوند متعال مختار نباشد پس مجبور است و عاملی غیر او، خداوند را بر انجام افعالش مجبور ساخته است در حالی که هر چه غیر خداوند است، فعل و معلول او است، و فعل هر فاعلی نه تنها فاعل را مجبور بر کاری نمی‌کند بلکه در کمال ملائمت با او قرار دارد.

* إنَّ الفاعل القريب في الحركة الطبيعيَّة و التفسيرية هو طبيعة المتحرك عن اقتضاء طبيعي أو قهر الطبيعة القاسرة للطبيعة المقسورة على الحركة. ١٣٥

٤. حرکت طبیعی و قسری را تعریف نموده، فاعل در آن دو را مشخص نمایید.

حرکت طبیعی: حرکتی که از فاعلی ذی شعور صادر شده و حرکت بر آمده از عاملی قاسر و خلاف طبع متحرک نیست

حرکت قسری: حرکتی که از فاعلی ذی شعور صادر شده و حرکت بر آمده از عاملی قاسر و خلاف طبع متحرک است

فاعل در هر دو، طبیعت است منتهی در طبیعیّه، طبیعت متحرک است عن اقتضاء طبیعی و در قسریه، طبیعت متحرک است که توسط طبیعت قاسره مجبور به حرکت شده است.

* المفیض للصور العقلية الكلية هو أمر مجرد عن المادة لأن الأمر المادي ضعيف الوجود و ليس هذا المفیض المجرد هو النفس العاقلة لهذه الصور العلمیة

لأنها بعد بالقوة بالنسبة إليها و حیثیتها حیثیة القبول دون الفعل و من المحال أن يخرج ما بالقوة نفسه من القوة إلى الفعل. ١٤٦

٥. مفیض صور علمیه کلیّه چه موجودی است؟ چرا نفس نمی تواند مفیض آنها باشد؟

مفیض، موجودی مجرد از ماده است - زیرا نفس فاقد این صور و نسبت به آنها بالقوة و قابل است در حالی که مفیض باید بالفعل و واجد باشد.

٦. معلوم بالذات و معلوم بالعرض را تعریف نموده اقسام علم حضوری نزد مرحوم علامه را ذکر نمایید. ١٥٤

معلوم بالذات: صورت حاصله شیء نزد عالم است که بدون توسط هیچ امری برای او ثابت است.

معلوم بالعرض: امر خارجی که محکی و مطابق صورت ذهنی است.

اقسام علم حضوری: ١. علم شیء به نفس ٢. علم علت به معلول ٣. علم معلول به علت.

٧. فرق بین تقابل «عدم و ملکه» و تقابل «تناقض» را بیان کنید. ١٠٧-١٠٦

در تقابل عدم و ملکه، وجود و عدم در موضوعی که شأنت آن ملکه را ندارد جایز است ولی در تقابل تناقض همانطوری که اجتماع نقیضین محال است ارتفاع آنها هم در هر صورتی محال است.

٨. «علم احساسی» و «علم خیالی» را تعریف کنید. ١٤٩

علم به یک شیء جزئی همراه با اتصال به ماده اش که در نزد عالم حاضر است را علم احساسی گویند و همان علم بدون حضور ماده اش را، علم خیالی گویند.

٩. در عبارت «إنَّ الواجب تعالی هو المبدأ المفیض لكل وجود و کمال وجودی» مدعا را از طریق امکان ماهوی اثبات کنید. ١٥٨

هر موجودی غیر خداوند در وجودش به علت نیازمند است چون هر موجود غیر از خداوند ممکن الوجود است که نسبتش به وجود و عدم یکسان است. این علت اگر خود واجب الوجود باشد که مطلب ما ثابت می شود و اگر خود واجب الوجود نباشد باید منتهی به علتی که واجب الوجود و سرچشمه هستی همه موجودات دیگر است بشود.